

جایگاه خدمات مشاوره مددکاری اجتماعی در امنیت روانی جامعه

مهشید ذبیحی

مقدمه

عصر بحران زده ی امروز، عصر تهی از ارزش هاست. به جرأت می توان گفت، تمامی مفاسد زندگی بشر امروز، نظیر: جنگ، جنایت، تروویسم، نژادپرستی، نسل کشی، دزدی، خیانت، اعتیاد، طلاق، ایدز، شهوت پرستی و... همه ریشه در زندگی خالی از ارزش دارند. آیا می توان گفت که زندگی بدون ارزش های بشری، حاکی از بی ارزش بودن انسان و زندگی است؟ به سراغ آیه ی ۱۷ سوره ی مؤمنون می رویم و با یک استفهام انکاری پاسخ خود را دریافت می کنیم: «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون...»: آیا گمان می کنید، ما شما را به عبث خلق کردیم و شما به سوی ما باز نمی گردید؟ پس ما بیهوده و عبث به این زندگی دعوت نشده ایم. خداوند هیچ چیز بی ارزشی خلق نکرده است. خود انسان موجود باارزشی است، اما بعضی افراد ارزش ها را زیر پا می گذارند و فراتر از آن، امنیت روانی جامعه را به خطر می اندازند (همانند موتور سوار بی فکری که تا حد امکان گاز می دهد و فقط خود را می بینند). این نشانه ی اهمیت ندادن به ارزش هاست.

یکی از مباحث عمده و اساسی امنیت در هر جامعه، توجه به موضوع مهم و تعالی بخش «ارزش ها» است. و از آن مهم تر، دشوارتر و پیچیده تر، بحث «درونی کردن» ارزش هاست. ارزش ها مهم هستند، زیرا انسان ها مهم هستند. یعنی اهمیت ارزش ها در این است که در ارتباط با انسان مطرح می شوند. و انسان، گذشته از بعد مادی، از بعد معنوی نیز برخوردار است و از این نظر، به رشد، پیشرفت، تکامل و تعالی نیاز دارد. عوامل گوناگونی می توانند

او را در این مسیر یاری کنند. یکی از این عوامل مهم و مؤثر، خدمات روان شناختی و مشاوره است که در به وجود آوردن امنیت روحی و روانی در جامعه، و درونی کردن ارزش ها نقش مهمی ایفا می کند. زیرا انسان موجودی پیچیده و دارای جنبه های مختلف است و بر همین اساس، نیازها و خواسته های مادی و معنوی متفاوتی دارد. ایجاد هماهنگی میان ارضا و اقتناع این خواسته ها و امیال کار آسانی نیست، بلکه دارای پیچیدگی ها و ظرافت هایی است.

خدمات روان شناختی از طریق تبیین پیوستگی و ارتباط ارزش ها و فرهنگ ها، ما را در فهم و درک بهتر مسائل کمک می کنند. مقاله ی حاضر به سه مبحث مهم ارزش گذاری برای ایجاد امنیت در جامعه به این شرح می پردازد:

۱. ابزار و تکنیک یا روش مناسب برای برقراری امنیت روانی
۲. نظم اجتماعی و مؤسسات مربوط در جامعه
۳. ارزش ها یا آنچه مردم یک جامعه بدان اعتقاد دارند.

یکی از رشته های روان شناختی کاربردی، «مشاوره و راهنمایی» یا «روان شناسی مشاوره ای» است که هدف خود را شناخت توانایی ها و استعداد های بدنی، ذهنی و عاطفی فرد، و کمک به رشد مطلوب و همه جانبه ی او می داند. چنین رشدی، به حیات فرد از تولد تا دوره ی کهنسالی مربوط می شود. و چون انسان در برخورد با محیط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی خود مدام در حال تغییر و پویندگی است، تا زمانی که زنده است، می تواند به رشد روانی خود ادامه دهد.

آموزش و پرورش نهادی اجتماعی است که در بالندگی هویت فرد و تبلور شخصیت وی، نقش بسیار مهمی می‌تواند بازی کند. مدرسه از آن‌رو در رشد شخصیت فرد نقش حیاتی دارد که در دورانی از تکامل او وارد عمل می‌شود و امر بالندگی و رشد شخصی او را برای زندگی فردی و اجتماعی مفید سرعت می‌بخشد. در جهان امروز، با وجود پیشرفت علمی و تغییرات عمیق فرهنگی و تحولات اجتماعی، بسیاری از مردم هنوز فاقد توانایی‌های لازم برای مقابله با مشکلات زندگی و معضلات اجتماعی هستند. پژوهش‌های متعدد نشانگر آن است که بسیاری از اختلالات شخصیتی، عاطفی و رفتاری، ریشه‌ی روانی اجتماعی دارند. برای مثال، پژوهش‌های موجود در زمینه‌ی اعتیاد بیانگر آن است که فقدان عزت‌نفس و ناتوانی در بیان احساسات، عامل مهمی در بروز اعتیاد در افراد است. در نتیجه، راهبردها و روش‌های متفاوتی برای رشد و شکوفایی استعدادها و درنهایت، کارآمد شدن افراد در جامعه ارائه شده‌اند که یکی از مؤثرترین آن‌ها، ایجاد عزت‌نفس و آرامش روحی روانی (امنیت روانی) در افراد است.

هدف‌های ایجاد امنیت روانی در جامعه و راه‌های تحقق آن‌ها

۱. به وجود آوردن جامعه‌ای آرام، با امنیت روحی و روانی کامل برای افراد، بدون حضور نیروی انتظامی و ناظران امنیتی؛
 ۲. داشتن افرادی با کفایت و لایق، و دارای سلامت و آسایش کامل روحی و روانی؛
 ۳. ارتقا و پرورش شخصیت، استعداد و توانایی‌های ذهنی و جسمانی افراد در حد کمال.
- به منظور تحقق هدف‌های فوق، انجام اقداماتی به این شرح پیشنهاد می‌شود:
۱. مبارزه با انگیزه‌های ارتکاب جرم و جنایت و ایجاد هر گونه اختشاش و عمل خلاف عرف جامعه بعد از آموزش همگانی؛
 ۲. تقویت و گسترش علم روان‌شناسی؛
 ۳. تقویت و گسترش و با ارزش دانستن نقش مددجویان و مشاوران؛
 ۴. تقویت علمی قوای نیروی انتظامی (آموزش علوم انسانی و روان‌شناسی به آن‌ها و چگونگی برخورد با افراد جامعه)؛
 ۵. پرورش حس اعتماد به نفس در افراد جامعه از دوران کودکی؛
 ۶. جلب توجه مسئولان به تأمین نیازهای روحی، روانی،

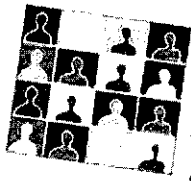
اقتصادی و فرهنگی افراد جامعه؛

۷. حذف تبعیض‌ها و گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه؛
۸. ایجاد مراکز رایگان مشاوره؛
۹. ایجاد مراکز بازپروری مطلوب و قوی، نه به شکل امروزی؛
۱۰. همسان کردن روش‌های تربیتی توسط خانواده‌ها و مدرسه‌ها؛
۱۱. تعلیم ارزش‌های بنیادین و ایجاد احترام برای هویت و الگوهای فرهنگی کودکان و نوجوانان؛
۱۲. پرداختن به فعالیت‌هایی که موجب پرورش احساس یگانگی با مدرسه و روحیه‌ی احترام به قوانین در فرد می‌شود؛
۱۳. تشویق جوانان و نوجوانان و افراد جامعه به درک عقاید مختلف و تفاوت‌های فرهنگی و احترام گذاشتن به آن‌ها.

نقش و جایگاه خدمات روان‌شناختی مشاوره در امنیت روانی جامعه

مشاوران و مددجویان اجتماعی، قاعدتاً افرادی توانمندند که نقش مهمی در برقراری امنیت روانی در جامعه دارند و به منظور جبران کمبودهای روانی جامعه، با پشتکار و با استفاده از هوش و توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های خود می‌توانند افراد بسیاری را از مصیبت‌ها و بلاهای عظیم‌رهایی بخشد. حتی گاهی «تصعید» یا «اولایش» مکانیزم دفاعی مرضی تلقی نمی‌کنند، بلکه می‌گویند، افراد بالغ و باهوش این روش مطلوب را برمی‌گزینند و بدان عمل می‌کنند.

مددجویان و مشاوران در هر اداره و مؤسسه‌ای که خدمت می‌کنند، باید جدی باشند و تمام نیروی خود را برای حل مشکلات روحی و روانی و برقراری امنیت در جامعه به کار بگیرند. نیروی انتظامی نیز که در حقیقت خود خدمات مشاوره‌ای و مددجویانه‌ای ارائه می‌دهد، در تمام عرصه‌های اجتماعی سعی در برقراری امنیت روحی و روانی دارد و نقش مهمی را در حفظ این امنیت ایفا می‌کند. به طور خلاصه می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهم‌ترین روش‌های پاسخ‌دهی به فشارهای روانی و مشکلات زندگی آن است که پاسخی منطقی به آن‌ها بدهیم. گاهی اوقات، به دلیل شرایط محیطی خاص و یا برآورده نشدن نیازهای فردی و اجتماعی فرد، تعادل و آرامش روانی او دستخوش تغییراتی می‌شود که او را از ارائه‌ی پاسخ‌های منطقی بازمی‌دارد. در چنین حالتی، افراد ممکن است پاسخ‌های احساسی نشان دهند. این پاسخ‌های احساسی را



**مشاوران و مددجویان اجتماعی، افرادی
 قاعده‌تاً توانمندند که نقش مهمی در
 برقراری امنیت روانی در جامعه دارند و به
 منظور جبران کمبودهای روانی جامعه،
 با پشتکار و با استفاده از هوش و
 توانایی‌های ذهنی و مهارت‌های خود
 می‌توانند افراد بسیاری را از مصیبت‌ها و
 بلاهای عظیم رهایی بخشند**

مکانیزم‌های دفاعی (سازگاری) می‌گویند. مکانیزم‌های دفاعی در همه‌ی افراد دیده می‌شود، ولی افراط در استفاده از این مکانیزم‌ها، فرد را از حالت عادی و طبیعی خارج می‌سازد و از واقعیات زندگی دور می‌کند. این جاست که مشاور و مددجو باید در صدد راهنمایی او برآیند.

بعضی افراد به فرافکنی (تمایلات نامطلوب خود را به دیگران نسبت دادن) دست می‌زنند و گاه به‌طور ناخودآگاه واقعیت نامطلوب موجود را انکار می‌کنند و می‌کوشند، موقعیتی را که باعث ناراحتی و اضطراب آن‌ها شده است، به‌طور کلی نفی کنند. و نیز شاید افرادی باشند که با رجعت به معنای عقب‌نشینی از مشکلات زندگی به مراحل اولیه، به رفتارهایی متوسل شوند که در گذشته انجام داده‌اند. پیداست که به این ترتیب، قادر به حل مشکلات زندگی خود نخواهند بود و در اجتماع هم باعث بروز مشکل می‌شوند. هیچ‌کدام از این گروه‌ها قادر به ارائه‌ی عکس‌العمل‌های منطقی نیستند، چون مشکلات روانی دارند. این جاست که خدمات روان‌شناختی مشاوره و مددجو می‌تواند، نقش مهمی را در رفع این‌گونه مکانیزم‌های دفاعی ایفا کند و افراد را با فتون و ابزار مناسب آشنا سازد تا این معضلات را کاهش دهند. خانواده نیز در شکل‌گیری احساس امنیت در افراد نقش بسیار مهمی را بازی می‌کند. نزدیکی، دوستی و صمیمیت در خانواده، از عوامل مهم مصون‌سازی افراد در برابر فشارها و ناملایمات محسوب می‌شوند.

ضرورت خدمات روان‌شناختی مشاوره

گاهی برای درمان بیماری‌های روانی لازم است، فرد در محیط زندگی خود تغییراتی ایجاد کند. در صورتی که محیط او دارای عناصر آزاردهنده باشد و فرد با رفتن به محیط‌های تازه، دیدن مناظر زیبا و ملاقات افراد جدید می‌تواند، بر خستگی روحی خود فائق آید. رفع چنین معضلاتی به کمک مددجویان و مشاوران نیاز دارد و لازم است، مددجویان از بعضی بیماران، حمایت حقوقی، شغلی و اجتماعی به‌عمل آورند، زیرا خود آن‌ها ممکن است فاقد این توان باشند.

مراقبت، آموزش و حمایت از خانواده‌ی فرد بیمار نیز اهمیت زیادی دارد. مددکاران اجتماعی نقش مهمی را در امر بازتوانی ایفا می‌کنند. برای مثال، باید به‌خانه‌های این بیماران بروند و از نزدیک وضعیت و امکانات خانوادگی آن‌ها را مشاهده کنند و ارزشیابی درستی از نیازمندی‌های خانواده به‌عمل آورند. شواهد نشان می‌دهند، هرگاه آموزش‌های درست و کمک‌های لازم در اختیار

خانواده‌های این افراد قرار گیرد، بیماران سریع‌تر بهبود می‌یابند و سازگاری بهتر و بیش‌تری در جامعه از خود نشان می‌دهند.

بعضی مواقع، مددکاران برای اشتغال‌زایی و یا کسب حرفه‌ی مناسب برنامه‌ریزی می‌کنند. از جمله کمک می‌کنند، افرادی که حرفه ندارند، مهارت بیاموزند و وارد بازار کار و اجتماع شوند. افراد با انجام دادن کار، احساس ارزشمندی و امنیت روحی و روانی می‌کنند و همچنین به اعتماد به نفس دست می‌یابند. افرادی که بیماری آن‌ها به معلولیت، اعم از معلولیت جسمانی، روانی یا ذهنی انجامیده است، نیازهای متفاوتی به بازتوانی دارند. در این زمینه، ابتدا باید نیازهای آن‌ها را شناسایی کنیم و سپس با امکانات وضع موجود، وضعیت مطلوب را برای این بیماران فراهم کنیم. در توانبخشی، باید همه‌ی کمک‌ها به فرد داده شود تا او بتواند، از توانمندی‌های خود حداکثر بهره را ببرد.

روان‌درمانی نیز یکی از روش‌هایی است که در آن، فرد درمانگر ضمن کوشش برای از بین بردن اختلالات روانی، رفتاری و شخصیتی فرد، باید توجه کند که توانمندی‌های از دست‌رفته‌ی بیمار را به وی بازگرداند تا او بتواند، به‌طور مفید و مؤثر به زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی خود ادامه دهد و به محیط‌های اجتماعی و شغلی خود، با سازگاری بیش از قبل، برگردند. مشاوران و مددجویان نقش مهمی در ایجاد روابط عاطفی، امنیت روحی و روانی دارند و در حل مشکلات ناشی از مرگ والدین همسان نبودن روش‌های تربیتی پدر و مادر، روابط غیرصمیمی پدر و مادر با یکدیگر، یا والدین با کودک، مقایسه کردن و تبعیض قائل شدن بین خواهر و برادر توسط والدین می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند.

رهنمودهای کلی برای ایجاد امنیت روانی در کودکان

الف) احساس امنیت

۱. ایجاد محیطی آرام و گرم که در آن، والدین برای یکدیگر احترام و ارزش قائل می‌شوند و روش‌های تربیتی هماهنگی دارند.
۲. استفاده از روش‌های ثابت برای تشویق و تنبیه کودک
۳. تأمین نیازهای جسمی و روانی کودک در دوران گوناگون رشد

ب) شیوه‌های متفاوت رفتاری

۱. توسل به پاداش دادن زیاد به کودک، او را پرتوقع، لوس و خودخواه می‌کند.

۲. خشونت، اضطراب و ترس به دنبال دارد.

۳. محبت بسیار اندک و خشم و کینه‌ی زیاد، کودک را عصبی بار می‌آورد.

۴. رابطه‌ی آمیخته با محبت منطقی و تنبیه کم، بهترین نوع رابطه‌ی اولیا با کودکان است که باعث می‌شود، با آرامش کامل روحی و روانی به زندگی ادامه دهند. این نوع محبت باعث می‌شود، حس مسؤولیت‌پذیری در کودک تقویت شود و اضطرابش کاهش یابد. این روش باعث ایجاد امنیت روانی کامل در زمان بزرگسالی می‌شود.

مشاوران با آگاهی داشتن از ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار (بی‌قراری، کزخویی، بدبینی و...)، در هر مرحله می‌توانند کمکی باشند برای تأمین امنیت روانی آنان. به هر حال، مشاوره به معنای همکاری کردن و رأی و نظر دیگری را در انجام کاری خواستن است. مراجع معمولاً با مسأله و مشکل عاطفی مواجه است و مشاور در ارائه‌ی راه‌حل برای مشکلات عاطفی تخصص دارد. مشاوره جریانی بین مراجع و مشاور است که به وسیله‌ی آن، مراجع با کمک مشاور به بررسی و تحلیل مشکلاتش می‌پردازد. نقش اصلی مشاور، ایجاد و توسعه‌ی اعتماد به نفس و استقلال، افزایش قدرت مبارزه با مشکلات، و گسترش رشد فکری مراجع است.

تأثیر بهبود روابط اجتماعی در امنیت روحی و روانی

به طور کلی، بشر اجتماعی خلق شده است و ارتباط برقرار کردن با دیگران جزو نیازهای روحی و روانی او محسوب می‌شود. غرایز اجتماعی انسان به گفته‌ی استاد مطهری، به صورت یک سلسله «تقاضا» در باطن انسان وجود دارد که تعلیم و تربیت در رشد و شکوفایی و پرورش آن نقش به‌سزایی دارد. انسان زمانی زندگی سالم اجتماعی خواهد داشت که بتواند با دیگران ارتباط اجتماعی برقرار کند و در ارتباط برقرار کردن با دیگران رشد نموده، به دیگران اعتماد داشته باشد و خود را متعهد و مسؤول خویش بداند.

اگر به روابط اجتماعی افرادی که بیماری روانی دارند، توجه کنیم، درمی‌یابیم که این افراد به دلیل ضعف ایمان مذهبی فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند. مثلاً، افراد افسرده حوصله صحبت کردن با دیگران را ندارند. یا فرد وسواسی، چون سعی در پنهان کردن

رفتار وسواس‌آمیز خود از دیگران دارد، در برقراری ارتباط با آن‌ها راحت نیست و برعکس، مردم گریز است. و با این‌که فرد مضطرب دائماً در فکر و خیال اتفاقات منفی و نگران‌کننده است و همیشه برای آینده وقایعی منفی را پیش‌بینی می‌کند. چنین فردی در ارتباط با دیگران عملکرد بسیار ضعیفی دارد و اضطرابش را ناخودآگاه به دیگران انتقال می‌دهد.

شخصی که دچار بیماری شدید روانی است، ارتباطش با واقعیت قطع می‌شود و نسبت به اعمال خود بینش و بصیرت ندارد. همه‌ی این افراد در ایجاد ارتباط سالم با دیگران مشکل دارند. برای اصلاح رفتار خود، لازم است انسان با پیروی از اصول مذهبی و اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی را به نحو احسن کسب کند، و به این نیاز اجتماعی خود در ارتباط با دیگران، به طور منطقی و معقول پاسخ دهد تا از این نظر بهداشت روانی اجتماعی او به خطر نیفتد. به طور کلی، به این نتیجه می‌رسیم که انسان، بدون ایمان و مهارت‌های اجتماعی، سالم نیست. دچار خودخواهی، بی‌ارادگی، تردید و اضطراب می‌شود و از آن‌جا که ریشه‌ی بیماری‌های روانی اضطراب است، در نتیجه ممکن است به بیماری روانی مبتلا گردد.

از نیازهای اساسی انسان داشتن فلسفه‌ی زندگی است تا با آن بتواند، خوب و سالم زندگی کند. اسلام که مکتبی است جامع و واقع‌گرا، به تمامی نیازهای انسانی، اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روانی، عقلی و فکری، احساس و عاطفی، و فردی و اجتماعی توجه خاص دارد و نیازهای فلسفی زندگی را برای بشر توضیح می‌دهد.

اهمیت وجود مددجو و مشاور در جامعه

بسیارند کسانی که:

● بدون شناخت درست از شرایط اقتصادی و اجتماعی، و استعدادها و توانایی‌های خود، شغلی را انتخاب می‌کنند و در آن توفیق نمی‌یابند.

● بدون شناخت درست از شرایط اجتماعی، همسر انتخاب می‌کنند و در زندگی زناشویی با شکست روبه‌رو می‌شوند.

● بدون شناخت درست دست به فعالیت‌های اجتماعی می‌زنند، اما شکست می‌خورند.

● به دلیل نداشتن شناخت درست از دوستان و گروهی که به عضویت در آن درمی‌آیند، به دام اعتیاد می‌افتند و تا پایان عمر، با نتایج تلخ و ناگوار این انتخاب نادرست دست به گریبان خواهند بود. از سوی دیگر:

خشونت پدر و مادر، سرزنش خود، و احساس اضطراب و ترس را می توان از دیگر تأثیر خشونت بر خود دانست. در این میان، اعتیاد به مواد مخدر از جمله مهم ترین و در عین حال بدترین نوع واکنش نوجوانان در روبه رو شدن با خشونت خانگی برشمرده شده است. نیز مطالعات انجام شده نشان می دهد، بسیاری از بزهکاران در واقع آسیب دیدگان به هنجار جامعه ی نابه هنجارند. یعنی افرادی از نظر روانی طبیعی و بهنجارند، ولی چون جامعه وضع نابه هنجار دارد، آن ها دست به بزهکاری می زنند.

آسیب شناسی رفتاری

مطالعه و شناخت ریشه ای بی نظمی های رفتاری نظیر بی کاری، اعتیاد، فقر، خودکشی و... در افراد، ممکن است ریشه ای این مسائل روانی، عاطفی و شخصیتی باشد که آسیب شناسی روانی نام دارد.

هدف های آسیب شناسی رفتاری

۱. مطالعه و شناخت اختلالات رفتاری و علل و انگیزه ی پیدایش آن ها؛
۲. درمان و به کارگیری روش های عملی برای اختلال های به وجود آمده؛
۳. پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری در گروه های متفاوت سنی؛
۴. تداوم درمان برای پیشگیری از بازگشت مجدد اختلال بهبود یافته.

پیشگیری از بیماری های روانی و آسیب های اجتماعی

یکی از مشکلات عمده ی عصر ما، هجوم استرس زاهای روانی اجتماعی است که از درون و بیرون ما سرچشمه می گیرند و می توانند دمار از روزگار ما درآورند. تغییرات زندگی، ناکامی ها و شکست ها، حوادث و رویدادها، تعارض ها، تفکرات و باورهای نادرست و... دائماً ما را می آزارند. استرس زاهای موجب خستگی، بی حالی، کاهش انرژی، غمگینی، کاهش سطح تحمل، عصبانیت و پرخاشگری می شوند. در نتیجه، از میزان سازگاری و توان مقابله با استرس ها می کاهند و موجب کاهش بازده عملکرد می شوند.

یکی از روش های کاستن از استرس با که سرمنشأ بیماری های روانی و آسیب های اجتماعی هستند، ورزش است. ورزش به عنوان درمان بیماری های روانی و آسیب های اجتماعی، بسیار مهم شناخته شده است.

● بعضی ها نسبت به ارزش های جامعه یا بخشی از آن بی اعتماد می شوند.

● بعضی ها در جهت برخورد با ارزش های جامعه با خود و دیگران درگیرند.

● بعضی ها چشم به روی حقایق می بندند.

● بعضی ها در مقابل انتقاد دیگران از خود واکنش شدیدی بروز می دهند.

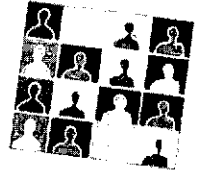
● بعضی ها بزهکار می شوند و دست به هر خلافی می زنند.

● بعضی ها نسبت به جامعه بیگانه می شوند.

با پیدایش و گسترش این گونه حالات، امنیت روانی جامعه به خطر می افتد. این جاست که دیگر وجود مددجو الزامی می شود. در این شرایط، مشاور باید با استفاده از تکنیک ها، شیوه ها و ابزار مناسب، و یادادن اطلاعات، و کمک و راهنمایی، این مشکلات روانی اجتماعی را حل کند. مشاوران مسائل اجتماعی در این رهگذر به موارد قابل تأمل دیگری نیز اشاره می کنند و می گویند: وقتی اضطراب و نگرانی ناشی از بدر رفتاری والدین با یکدیگر، و مشاجره ها و نزاع های آنان به فرزندان اجازه درس خواندن نمی دهد، این کودکان و نوجوانان دچار افت تحصیلی می شوند و در محیط مدرسه، برخی معلمان و مربیان، به علت نداشتن آگاهی از شیوه های برخورد صحیح، آنان را سرزنش یا حتی تنبیه می کنند.

کارشناسان روان شناسی، اختلالات در خوردن و خوابیدن، ناهنجاری هایی از قبیل افسردگی و وابستگی های افراطی و نامتعارف عاطفی، و فرمانبرداری و مطیع بودن پیش از حد را، تأثیرات جسمی و روانی خشونت خانگی می دانند. گوشه گیری و انزوا، ساختن زندگی خانوادگی مطلوب، وهم و خیال، شکایت از دردهای غیر واقعی، جویدن انگشت یا ناخن، بی قراری، لکنت زبان، خیال پردازی درباره ی خودکشی، خشونت کلامی، تهاجمی شدن،

اگر خشونت پدر و مادر و یا کودک آزاری در خانواده وجود داشته باشد، باعث بروز اختلالات شخصیتی (شکل گیری شخصیت خشن، مضطرب، قدرت طلب، و...) می شود و نیز ممکن است، فرار از خانه را به دنبال داشته باشد



اصول اصلاح رفتار خود، لازم است انسان با تغییر روی از
اصول مذهب و اجتماعی و مهارت های اجتماعی می کند، و به این نیاز از اجتماع می دهد تا
از این نظر دید داشت روانی اجتماعی می او به نظر می بیند

در این میان، یکی از عواملی که امنیت اجتماعی را به خطر می اندازند، پدیده‌ی کودکان خیابانی است. آن‌ها تمام اوقات خود را در خیابان می‌گذرانند و باعث برهم‌زدن امنیت روانی اجتماعی می‌شوند که این موضوع، بررسی بیش‌تر مسؤولان و مشاوران را می‌طلبد.

امنیت نه تنها برای انسان‌هایی که در جامعه زندگی، کار و تلاش می‌کنند، لازم است، بلکه برای همه‌ی جانداران نیز ضروری به نظر می‌رسد (جانوری که خود را مخفی می‌کند تا به چنگ شکارچی نیفتد). در زندگی انسان، امنیت روانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مزلو، دانشمند روان‌شناس، امنیت را از جمله نیازهای انسان برشمرده است. وی در هرم خود در مورد نیازهای گوناگون انسان، امنیت را فراتر از ارضای نیازهای زیستی و جسمانی قرار می‌دهد. البته امنیت در انسان‌ها طیف وسیعی را شامل می‌شود.

تأمین امنیت روانی، خصوصاً روانی اجتماعی، در سایه‌ی توجه به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه حاصل می‌آید؛ به گونه‌ای که از قلمروها به عنوان نیروهای مولد امنیت اجتماعی یاد می‌شود. امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد گروه‌های اجتماعی و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم هستند. تأمین امنیت نیازمند رفع عوامل تهدیدکننده‌ی آن است. عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت اجتماعی دامنه‌ی وسیعی را در برمی‌گیرند. مهاجرت پیش از حد، توسعه‌ی حاشیه‌نشینی، افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت شهرها، و افزایش طلاق، بی‌کاری، اعتیاد، فحشا، دزدی، قتل و جنایت، و... از جمله عواملی هستند که امنیت اجتماعی و روانی را به خطر می‌اندازند.

تأثیر خشونت در رفتار افراد

فرار از خانه، بزهکاری، اعتیاد، کف‌زنی، سرقت اتومبیل و... از پیامدهای خشونت با افراد است. اگر خشونت پدر و مادر و یا کودک‌آزاری در خانواده وجود داشته باشد، باعث بروز اختلالات شخصیتی (شکل‌گیری شخصیت خشن، مضطرب، قدرت‌طلب، و...) می‌شود و نیز ممکن است، فرار از خانه را به دنبال داشته باشد. فرار از خانه خود یکی از بازتاب‌های خشونت است و بزهکاری را رونق می‌بخشد. دیده شده است، چنین افرادی در مواجهه با گروه‌های بزهکار، به علت کمبود محبت درونی با دیدن اندکی محبت، جلب آنان می‌شوند و خود نیز به بزهکاری دست می‌زنند.

نیاز به امنیت روانی

جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران روان‌شناسی، نیاز به امنیت را به عنوان یکی از نیازهای اولیه‌ی انسان‌ها در نظر می‌گیرند و معتقدند، در صورتی که این نیاز به صورت مناسب ارضا نشود، تبعاتی برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت. امنیت که در داخل جامعه در سطوح متفاوت، از فرد تا قبیله، شهر، جامعه‌ی ملی و بالاخره نظام جهانی مطرح است، ابعاد متفاوتی دارد که از آن جمله می‌توان به امنیت سیاسی، امنیت قضایی، امنیت شغلی، امنیت روانی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی اشاره کرد. امروزه، تهدیدکننده‌های اجتماعی چندان گسترده و پیچیده شده‌اند که توجه به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تهدیدکننده‌ها باعث ازمهم‌گسیختگی گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی می‌شوند که در علم جامعه‌شناسی در مورد آن‌ها بحث می‌شود.

منابع

۱. حکمت، سعید. روان‌شناسی کیفری. انتشارات گوتنبرگ. ۱۳۸۲.
۲. شیخاوندی، داور. آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات بهمن. ۱۳۸۱.
۳. فصل‌نامه‌ی ندای اصلاح. شماره‌ی ۶. پائیز ۱۳۸۱.
۴. معاونت اجتماعی ناجا. چکیده‌ی مقالات همایش امنیت اجتماعی. انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۲.
۵. کاردان، علی محمد. روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ هفتم. ۱۳۸۲.
۶. وهابی. پیشگیری از منظر جرم‌شناسی. فصل‌نامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی. چاپ پایدار نقش. ۱۳۸۱.
۷. مساواتی. آسیب‌شناسی اجتماعی روانی در ایران. انتشارات بونل. ۱۳۷۹.
۸. پورافکاری. طبقه‌بندی اختلالات روانی. انتشارات آزاده. ۱۳۷۸.
۹. روزنامه‌ی سلامت و روان. شنبه ۲۲ مرداد ماه ۱۳۸۴.